

این شتری است که در خانه همه کس می خوابد

اصطلاح و ضرب المثل بالا به عنوان تسلیت و همدری به کار می رود تا مصیبت دیدگان را موجب دلگرمی و دلجویی باشد و متعدیان و متجاوزان را مایه تنبیه و عبرت؛ تا بدانند که عفریت مرگ در عقب است و مانند شتر قربانی در آستانه در هر خانه و کاشانه ای زانو به زمین می زند و تا بهره و نصیبی نستانند بر پای نمی خیزد. و همچنین از باب تذکار و هشدار به کسانی که در حس نسیان و فراموشی، آنان را در روزگار فراغ و آسایش از دریافت نشیب و فرود روزگار باز می دارد نیز ضرب المثل بالا مورد اصطلاح و استناد قرار می گیرد و با زبان بی زبان می گوید: غره مشو، به خود مبال که زمانه همیشه بر یک منوال و به یک صورت و حال نیست. دیر یا زود، دریافت مرگ و میر، کابوس و بال و نکای بر بالای سر تو نیز سایه خواهد افکند و آنچه نمی پنداشتی جامه عمل می پوشاند. آری، این شتری است که در هر خانه می خوابد و بهره بر میگیرد. اما ریشه تاریخی آن: بطوری که می دانیم و در مقاله گوشت شتر قربانی در کتاب حاضر فی الجمله شرح داده شد، سه روز قبل از عید قربان یک شتر ماده را در حالی که به انواع گل‌های رنگارنگ و حتی سبزی و برگ‌های درختان زینت داده بودند و جمعیت بسیاری از هر طبقه و صنف دنبال او می افتادند؛ در شهر میگرداندند و برای او طبل و نقاره و شیپور می زدند و سخنان دینی و اشعار مذهبی می خواندند. این شتر از هر جا و هر کوی و برزن که میگذشت مردم دور او جمع میشدند و پشم حیوان را عوام الناس - بویژه زنان آرزومند - مایه اقبال و رفع نکبت و وبال دانسته، به عنوان تیمن و تبرک از بدنش می کردند و از اجزا تعویذ و حرز بازو و گردن خود و اطفال قرار می دادند.

این جریان و آداب و رسوم که ریاست آن به عهده شخص معینی بود و مباشرین این کار القاب خاصی داشتند؛ مدت سه روز بطول می انجامید و در این مدت شتر گردانی به در خانه هر یک از اعیان و اشراف شهر که میرسیدند شتر را به زانو در می آوردند و از صاحب خانه به فراخور مقام و شخصیتش چیز قابل توجهی نقداً یا جنساً میگرفتند و از آنجا می گذشتند. روز سوم که روز عید قربان بود، این حیوان زبان بسته را به طرز جانگدازی نحر می کردند، و هنوز جان در بدن داشت که هر کس با خنجر و چاقو و دشنه حمله ور میشد، و هنوز چشمان وحشت زده اش در کاسه سر به اطراف می نگریست که تمام اعضای بدنش پاره پاره شده، گوشتهایش به یغما می رفته است.

کاری به تفصیل قضیه نداریم، غرض این است که به گفته استاد ارجمند شادروان سید جلال الدین همایی: «از مبنای همین کار در زبان فارسی کنایات و امثالی وارد شده است مانند "شتر را کشتند". یعنی کار تمام شد. "فلانی شتر قربانی شده است" یعنی:

هر کس او را به طرفی می کشید، یا به معنی اینکه دور او را گرفته، اهمیتش می دهند ولی بالاخره نابودش می سازند.» در دنباله مطلب این اصطلاح و ضرب المثل می رسد که: شتر را در منزل فلانی خوابانده اند. یعنی: غائله را به گردن او انداخته اند. ضرب المثل اخیر بعد از مرور زمان رفته رفته بصورت و اشکال مختلفه در آمد و هر دسته و جمعیتی به یک شکل از آن استفاده و استناد می کنند که از همه مهمتر و مشهورتر همان ضرب المثل عنوان این مقاله است که ناظر بر شرنگ مرگ و میر می باشد. که به هر حال باید چشید و از غرور و خودخواهی و زیاده طلبی که چون جهاز رنگارنگ شتر قربانی دیرپا نیست، بلکه فریبنده و زودگذر است؛ باید چشم پوشید و برای آرامش خاطر و رضای ندای وجدان، به دستگیری نیازمندان پرداخت و بر قلوب جریحه دار دلسوختگان مرحم نهاد، زیرا به قول شاعر:

بر هیچ آدمی اجل ابقا نمی کند *** سلطان مرگ هیچ محابا نمی کند